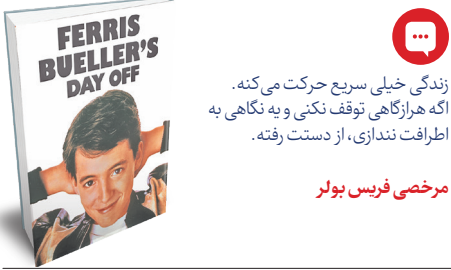


- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی طلب
- **سردبیر:** حسام الدین پرومند
- **معاون فنی:** محمد ملاعلی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- زرین رستمی (ند(اجتماعی)

- بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی (گزارش)
- زهرا کشوری (زیست بوم) • فرزاد قلعه‌دار (حوادث)
- مهدی کلهرنژاد (اجرابی)
- حجت حکیمی (صفحه‌آزایی)
- محسن جانی پور (ویراستاری)
- ابوالفضل نسایی (عکس)

- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پیامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • **رابط عمومی:** نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندة گواهینامه انزو ۹۰۱۰ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۴۸۸۲۰۵



زندگی خیلی سریع حرکت می‌کنه. اگه هرزگاهی توقف نکنی و به نگاهی به اطرافت نندازی، از دستت رفته.

مرخصی فریس بولر



حضرت علی (ع):
 بالاترین درجه دانایی، تشخیص اخلاق از یکدیگر و آشکار کردن اخلاق پسن‌دیده و سرکوب اخلاق ناپسند است.

غزالحکم، ح ۵۲۶۷

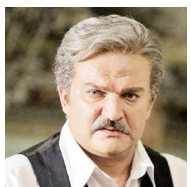


همبستگی



حمید صوفی / طراح و کارتون‌نویست

فضای مجازی



مهدی سلطانی، بازیگر سینما و تئاتر در تازه‌ترین پست خود تصویری از نمایش «با تو مهتاب شبی» را منتشر کرده است. آتطور که در اطلاعات مندرج در این پست آمده، «با تو مهتاب شبی» نمایشی برگرفته از نمایشنامه «قص کاغذپاره‌ها» و نمایشنامه «خشکسالی و دروغ» نوشته محمد یعقوبی است. دراماتورژ و کارگردانی این نمایش را مهدی سلطانی برعهده داشته است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر درباره زمان اجرای این نمایش می‌توانند سری به صفحه مهدی سلطانی بزنند.

ترجمه میرمعزی از نویسنده سرشناس آلمانی زبان



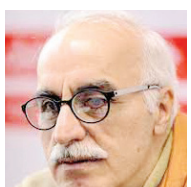
مهشید میرمعزی، مترجم ادبیات آلمانی که نقش مؤثری در معرفی برخی چهره‌های ادبی آلمان به علاقه‌مندان کتابخوانی در کشورمان ایفا کرده، در استوری خود تصویری از کتاب «وزن کلمات» را با دنبال‌کنندگان صفحه‌اش به اشتراک گذاشته است. این کتاب که میرمعزی آن را ترجمه کرده، نوشته‌ای از «پاسکال مرسیه» است. «وزن کلمات» درباره مردی میانسال به نام سمیون است که از کودکی شیفته زبان بوده. او زندگی آرام و بی‌فیل‌وفالی دارد تا اینکه با یک اشتباه کوچک، چشم در چشم مرگ می‌ایستد و فلسفه حیات و وجود انسان را به چالش می‌کشد. «وزن کلمات» از آن کتاب‌هایی نیست که داستانی برای لوفتن داشته باشد؛ همه چیز خطی است. گرچه آنجا که مسأله حیات و بقا، وجود داشتن یا تنها موجود بودن، حیات فاعلانه یا انتظار مفعولانه به میان می‌آید، هیچ چیز تنها یک خط صاف نیست. اما درباره نویسنده این کتاب نیز باید گفت که «پاسکال مرسیه» نویسنده و فیلسوف در سال ۱۹۴۴ با نام «پتر پیری» در سوئیس متولد شد و امروز او یکی از وزنه‌های ادبیات آلمانی‌زبان معاصر می‌داند؛ چه در حوزه ادبیات فلسفی و چه فلسفه ادبیات. «پاسکال مرسیه» گرچه گزیده‌گو و بی‌حاشیه است، اما رمان‌هایی خلق کرده که هر کدام، جهان مخصوص به خود را دارند. پیش‌تر از او «قطار شبانه لیبسون» را با ترجمه مهشید میرمعزی خوانده بودیم. این بار هم میرمعزی دست به ترجمه یکی از مهم‌ترین آثار مرسیه زده است.

توجه شرفشاهی به بناهای تاریخی



کامران شرفشاهی، شاعر و نویسنده که مدتی است در پست‌های خود تصاویر و اطلاعاتی درباره مکان‌های تاریخی کشورمان را منتشر می‌کند، در جدیدترین استوری‌اش تصویری از «عالی‌قاپو» را منتشر کرده و در توضیح آن نوشته: «عالی‌قاپو، به گونه‌ای طراحی شده که از هر سو نمایی متفاوت داشته باشد». او در عکس دیگری تصویری از تابلوی ورودی روستای «اغلان‌تپه» را منتشر و گلابه کرده که چرا شهرداری، سطل‌های زباله را کنار آن گذاشته و نمای نامطلوبی به ورودی روستا داده است. «اغلان‌تپه» از توابع استان البرز است.

خبرداریوش مؤدبیان برای علاقه‌مندان تئاتر



داریوش مؤدبیان، مترجم و کارگردان تئاتر که از مدت‌ها قبل سلسله نشست‌های «چخوف‌خوانی» را به میزبانی خانه فرهنگ گویا برپا می‌کند، در صفحه خود خبر از برگزاری نشست دیگری داده است. این نشست، روخوانی نمایش «از آزادی تا هرج و مرج» است، نمایشنامه‌ای از «اسلاومیر مروژک». زمان برگزاری آن، هر دو هفته یک‌بار، پنجشنبه‌ها عنوان شده و محل برپایی‌اش نیز همچنان خانه فرهنگ گویا است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات درباره زمان دقیق این نشست‌ها می‌توانند سری به صفحه داریوش مؤدبیان بزنند. مروژک، نمایشنامه‌نویس و نویسنده‌ای لهستانی است که اولین رمانش را در سال ۱۹۵۳ و اولین مجموعه داستان کوتاهش را در سال ۱۹۵۷ با عنوان «فیل» منتشر کرد که بلافاصله به بسیاری از زبان‌های اروپایی ترجمه شد.

نقل قول

ریشه‌های طوفان الاقصی در نهاد مردم فلسطین وجود داشت



سمانه خلف‌زاد، پژوهشگر و مترجم ادبیات عرب، برخی از ادیبان فرانسه در جنگ جهانی دوم به بحث ادبیات مقاومت پرداخته‌اند اما این ادیبان، با ادبیات مقاومتی که بعد از اشغال فلسطین ظهور کرد، قابل مقایسه نیست و این را با قدرت در اشعار غسان کنفانی، شاعر مطرح فلسطینی، می‌بینیم که از ابتدا بر ماندن و مقاومت تأکید کرد. ریشه‌های طوفان الاقصی از ابتدا در نهاد مردم فلسطین از جمله شاعران که نماینده جامعه هستند، وجود دارد و این شعرها وجه تاریخی هم دارد.

از صحبت‌های این پژوهشگر با اینستا

یادداشت

بودن یا نبودن؛ دغدغه این است

به بهانه ایام سی‌امین سالگرد تأسیس روزنامه ایران



حسین مسلم روزنامه نگار

شماره‌ی از روزنامه‌نگاران می‌گویند، بیایید واقع بین باشیم. تا کی می‌خواهیم سر خود را شیره بعلیم و حقیقت عربیانی را که پیش چشمان مان قرار دارد، نبینیم؛ حرفه ما در حال احتضار است. از نگاه این همکاران ما آخرین بازماندگان این صنف و تباریم و همین چند سال پیش رو، تابوت «روزنامه» از جنس مکتوب و کاغذی‌اش را تشییع خواهیم کرد و بر سر مزارش خواهیم ایستاد. آنها با انگشت اشاره فضای مجازی و رسانه‌های دیجیتال را نشان‌مان می‌دهند و می‌گویند، ببینید، فضای مجازی دارد میخ‌های بدرقه را یک به یک بر این تابوت می‌کوبد. عده‌ای دیگر اما این‌گونه نمی‌اندیشند و گروه اول را منتهم به بدبینی مفرط می‌کنند. از تاریخ و تجربیات تاریخی نمونه‌های دست اول می‌آورند که مگر نه این است که وقتی ۷۰ سال پیش تلویزیون شروع کرد به فراگیر شدن، بسیاری همین حرف‌ها را گفتند و نوشتند؛ این جعبه جادو آمده تا میخ بر تابوت سینما بکوبد و خیلی طول نمی‌کشد تا پرده‌های سینماها را پایین بکشد و درهای سالن‌های سینما را تخته کند؛ اما دیدیم که چنین نشد و «سینما» بعد از ۷ دهه هنوز و همچنان به حیات پررونق خود ادامه می‌دهد. پیش‌ترها نیز همین اتفاق در دو مقطع دیگر هم افتاده بود. هنگامی که روزنامه‌ها در اروپا و ینگه دنیا برای خیل روزنامه‌خوان‌ها شروع کردند به انتشار گزارش‌های پر از جزئیات، عده‌ای تصور کردند با گزارش‌های شاخ و برگ‌داری که هر روز مردم در روزنامه‌ها می‌خوانند، دیگر چه جایی برای رمان و رمان‌نویسی باقی می‌ماند؟ و غمگنانه زرمزه کردند. افسوس که زمان احتضار رمان را به چشم دیدیم! یا آن هنگام که «عکاسی» به میدان آمد و نخستین عکس‌ها به چاپ رسید، برخی از بیال و گوپال‌دارها ذوق زده به صرافت افتادند که «نقاشی مرد؛ زنده باد عکاسی»؛ می‌گفتند، وقتی می‌توان با این قدرت دنیا را ثبت و ضبط کرد، چه محل اعرابی می‌ماند برای بوم و کرباس و قلم و رنگ و نقاشی؟ اما همگان با چشم خود دیدند که عکاسی نه تنها نقاشی را حذف نکرد، بلکه آن را به سوی «تعب واقعیت» سوق داد و نقاشی توانست بیش از پیش ظرفیت‌های عمیق خود را کشف کند. ظرفه آنکه نه می‌توان نظر گروه اول را دربست پذیرفت و روزنامه‌نگاری فعلی را متاعی دیرپا و ابدی دانست و حکمی چنین قاطع صادر کرد و نه می‌توان به خوش‌بینی مستتر در نگاه گروه دوم دلخوش بود. حال ماییم و هنگامه‌ای که در آن روزنامه‌ها در گوشه رینگ و زیر هوک‌های سنگین فضای مجازی به سر می‌برند؛ در میانه گیروداری که میانگین توقف در فضای مجازی حدود ۲۰ روز در ماه است و گفته می‌شود بیشینه‌تا پنج سال دیگر متوسط

عمر مفید افراد در شبکه‌های اجتماعی سپری خواهد شد. این واقعیت پیش‌روی ماست که روزنامه‌ها به طور اعم یا افت مخاطب و طبعاً افت تیراژ مواجه شده‌اند، اما به گمان من این موضوع به هیچ عنوان دلیل نمی‌شود که تصور کنیم کار روزنامه‌ها تمام است. یادمان باشد که روزنامه‌ها هنوز و همچنان از جمله اشکال محبوب و صد البته معتبر رسانه‌ای به حساب می‌آیند و هرچند عرصه برایشان تنگ شده و آنها را از تک و تا و تیراژ سابق انداخته، اما به نظر نمی‌رسد تا اطلاع ثانوی، اعتبار و «کارویزه» خود را کاملاً از دست داده باشند؛ مرجعیت و اعتباری که ریشه در تاریخچه‌ای ۴۰۰ ساله دارد. بر همین اساس است که گردانندگان روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران در سال‌های اخیر دریافت‌اند که باید براساس ویژگی‌هایی که دارند، طرحی نو دراندازند و همچنان بایند و دست‌ها را بالا نبرند و عرصه را به حریف وانگدازند. این درست که امروز می‌توان برای به دست آوردن چکیده اطلاعات و عناوین خبرها و رخدادها به شبکه‌های اجتماعی مراجعه کرد، اما نباید فراموش کنیم که روزنامه‌ها با کارکرد و فرمتی که دارند، به مراتب برای ذهن‌هایی که تنها با آنها با تحلیل اقعاع می‌شوند، قابل‌انگازند. هم روزنامه‌نگاران و هم مخاطبان روزنامه‌ها به خوبی این واقعیت را می‌دانند که برای خواندن تحلیل، گزارش‌های تحلیلی، یادداشت‌ها، مصاحبه‌های اختصاصی و انواع گزارش‌ها با سوزنه‌های ویژه، صفحات روزنامه‌ها عرصه‌های کارآمدتری هستند.

کیم نیستند کسانی که می‌خواهند در جریان تحلیل وقایع و تشریح آنها از زبان و قلم نخبگان و کارشناسان قرار گیرند و آن سوی سکه رویدادها و لایه‌های بسیار عمیق‌تر و پنهانی‌تر را ببینند که به طور معمول جایشان در خیل خبرهای هوار شده از طریق شبکه‌های مجازی خالی است. روزنامه‌ها طبعاً آنهاهایی را که به دنبال تحلیلی عمیق و چندلایه در این باره‌اند، مخاطب قرار می‌دهند و این همان وجه مطلوبی است که شاید بتوان به سادگی در قوطی شبکه‌های اجتماعی نقد کرد. حالا ماییم و کشاکشی چنین سنگین، در روزنامه‌های چون «ایران» با بار مسئولیتی به مراتب سنگین‌تر از دیگر همتایان. عاقله موجود بالغ و سرد و گرم چشیده‌ای که طی سه دهه ریشه دوانده و اینک در سی‌امین سالگرد بنیادش جایگاهی محترم از آن خود دارد. در این هنگامه مجموعه «ایران» در تلاش است تا خود را با احتجاج زمان و زمانه وفق دهد و با تجهیز خود به تمهیدات لازم برای آینده محتوا، سازگار و البته کار و بار خود را به قضا و قدر نسپارد و میدان را وانگدازد.

دریچه



جبار آذین منتقد سینما

«تور»؛

پهلوانان هرگز نمی‌میرند!

ایران زمین مهد فرهنگ و هنر و ادب و هنرآفرینان ماندگار و قهرمان‌ها و پهلوانان مانا و دلوری‌ها و مقاومت‌ها و مبارزه‌های ملی و مردمی است و این قافله درخشان از پیدو تاریخ با ظهورعالمان، هنرمندان و قهرمانان آغاز شده و با سلحشوری‌های آبروبرزن‌ها و آرش‌ها و رستم‌ها و کوروش‌ها، فریدون‌ها و سیاوش‌ها تا همت‌ها و کاظمی‌ها، رجایی‌ها، کلهرها، چمران‌ها، فهمیده‌ها، باقری‌ها، حاج قاسم‌ها و... ادامه دارد و پرچم ایران همچنان در آسمان معرفت و تکامل و پایداری می‌درخشد.

ازهمین رو، دشمنان کوتاه و بلند ایران و ایرانیان، باوجود تمام خیانت‌ها و تجاوزات و جنایات بی‌شمار و انسان و کودک‌کشی‌ها و ترورهای کور و زیوانانه نتوانسته‌اند و هرگز نخواهند توانست در اراده استوار و قامت رسای مقاومت ملت و کشور، کمترین خللی ایجاد کنند و با ترور و کشتار، ایرانیان بیدارتر، هوشیارتر و مقاوم‌تر می‌شوند و جهانیان در برابر عزم، قدرت و مهر و ایستادگی ایران اسلامی، به احترام سرتعظیم فرود می‌آورند.

هنرمندان متعهد و مدیران فرهنگی متدین و کاربلد که پیوسته در کنار ملت، قهرمانان و پهلوانان کشور ایستاده‌اند و مانند اصحاب سخکوش رسانه، آینه‌نمایش دلوری‌های پهلوانان و قهرمانان ایران هستند، از دیرباز بویزه در سالیان اخیر با تهیه و تولید آثار شاخص و هنرمندانه درباره مبارزات و مجاهدات و زندگی پربرکت شهدا و سرداران انقلاب، دفاع مقدس و مقاومت در ثبت و ضبط هنری رویدادها و حوادث تلخ و شیرین زندگی و مبارزات و شهادت آنها، اهتمام به خرج داده‌اند.

گرچه آثارهنری و سینمایی و تئاتری و تلویزیونی تولید شده به نمایش درآمده، از نظر کیفیت هنری و داستان‌سازی، پژوهش تاریخی و ساختار و استقبال مردم در یک سطح نبوده‌اند، ولی تولید این نوع آثار نمایشگر تعهد و درک و احترام آنها برای قهرمان‌های ملی کشور است.

مجموعه خوب و بامحتوا و ارزشی «تور» که به رخداد ترور نافرجام سردار شهیدقاسم سلیمانی توسط صهیونیست‌ها و مزدوران داعش می‌پردازد و پرده‌هایی از جنایات اسرائیل غاصب و جنابان داعش را هنرمندانه به نمایش می‌گذارد، از جمله آثار قابل تأمل و ارجمند پردازش هنری به قهرمان‌های ملی ایران است.

فیلمنامه خوب، محکم و قوی ترور را آرش قادری، نویسنده باذوق سرریال‌های موفق هوش سیاه و گاندو نوشته و کارگردانی آن عهده خیرالله تقیانی پور، سازنده سرریال تجلا به همیده داشته است. همچنین سرریال ملی و پلیسی و امنیتی و اکشن ترور را مجتبی امینی تهیه‌کننده سرریال گاندو و دبیر جشنواره فیلم فجر تهیه کرده است. ترور، گرچه یک سرریال بی‌نظیر نیست، اما اثری فاخر و متمایز و دیدنی در خصوص فعالیت‌های نبره‌های امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی کشور و گوشه‌ای از زندگی و مقام و منزلت و جایگاه ایرانی و جهانی شخصیت بزرگ و محبوب سردار قاسم سلیمانی، قهرمان ملی و پهلوان مردمی است که با استقبال و رضایت مخاطبان میلیونی سیما مواجه شده و بیانگر این حقیقت و نکته والاست که پهلوانانی چون حاج قاسم هرگز نمی‌میرند و کشتار مردم و زنان و کودکان بی‌گناه در کرمان و غزه، نمی‌تواند مقاومت را از حرکت بزرگ، تاریخی و عدالتخواه خود باز دارد و مبارزات باران و رهروان سلیمانی‌ها با جدیت و موفقیت ادامه دارد.

عکس نوشت



مراسم معنوی اعتکاف ایام البیض ماه رجب با حضور پرشور دختران نوجوان و بانوان در مساجد تبریز در حال برگزاری است.

عکس از مهر